

## درهم تنیدگی عناصر منازعه و همکاری در حوزه آبریز هیرمند

مریم طهماسبی<sup>۱</sup>

امیرمحمد حاجی یوسفی<sup>۲\*</sup>

کیهان برزگر<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۶

### چکیده

آبراه‌های مرزی به لحاظ اهمیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی در زیست انسانی و جانوری، اکوسیستم مناطق و توسعه کشورها که با افزایش جمعیت، بالارفتن تقاضا، تغییرات آب و هوایی، گرم شدن زمین، خشک‌سالی، کمیابی منابع آبی و سوء مدیریت آبی سبب همگرایی و واگرایی در حوزه‌های رودهای ساحلی گردیده است به رویکردی چالش‌زا در سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است. اختلاف بر سر بهره‌برداری، مدیریت و تعیین حقایق رودخانه مرزی هیرمند باعث گردیده که همکاری و منازعه توأمان در این حوزه آبی وجود داشته باشد. مفاهیم منازعه - بحران یک ساختار چند لایه با ماهیت پویا را سازمان‌دهی می‌کنند و از طرف دیگر از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری منازعه و همکاری مدل همزیستی شکل می‌گیرد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی و بنیان نهادن چارچوب نظری به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که چگونه می‌توان منازعات آبی را در سیاست خارجی ایران در حوزه رودخانه هیرمند مدیریت نمود؟ ایران با امنیتی‌زدایی از بحران آبی می‌تواند آن را مدیریت‌پذیر نماید. پردازش این مهم با محوریت روابط بین دولتمین و ادغام با عناصر داخلی که برگرفته از رویکردهای بین‌الذهانی، محیط‌زیست و اجتماع انسانی است پایه‌گذاری گردیده و اختلافات آبی ایران و افغانستان در رودخانه هیرمند به عنوان مطالعه موردی بررسی می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** مدل همزیستی، رودخانه هیرمند، کمیابی منابع آبی، امنیت زدایی، اختلاف آبی ایران و افغانستان

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. \* نویسنده مسئول: am-yousefi@sbu.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

امروزه متغیرهای جدیدی مانند رشد اقتصادی، تغییرات آب و هوا، گسترش شهرنشینی و افزایش تقاضا منجر به چالش‌های بیشتری در حوزه آب‌های مرزی شده و کمبود آب را افزایش می‌دهد؛ این فرایند بر دو بعد منازعه و همکاری تأثیرگذار است. منازعات آبی به‌ویژه در مناطقی که پتانسیل چالش‌های بحران آب را دارند افزون‌تر است به‌ویژه در منطقه گرم و خشک خاورمیانه که محیطی آکنده از تعاملات شکننده و پرتنش است. ایران و افغانستان به دلیل قرابت‌ها و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و اقتصادی از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. رودخانه هیرمند از کوه‌های هندوکش در افغانستان سرچشمه می‌گیرد، پس از طی مسافتی طولانی وارد خاک ایران می‌شود و مهم‌ترین شریان حیاتی آب شرق کشور را تشکیل می‌دهد و تأثیر مهمی در امنیت کشاورزی، اقتصادی و محیط‌زیست منطقه سیستان دارد.

به این دلیل منشأ تأمین آب این منطقه به میزان جریان آب رودخانه هیرمند وابسته است؛ از طرفی تحولات سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ای در افغانستان (به واسطه حضور نیروی سوم) به‌ویژه در حوزه آبی طی دهه اخیر شتاب فزاینده‌ای یافته است که بر میزان حبابه پایین‌دست تأثیر منفی داشته است؛ به عبارت دیگر، تقسیم آب هیرمند علاوه بر شرایط اقلیمی از مراودات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دو کشور تأثیر می‌گیرد. افغانستان بعد از جدایی از خاک ایران با تاریخ درازمدتی از حضور نیروی‌های سوم و جنگ داخلی در بستری از فقر و بی‌ثباتی مواجه بوده است و این بی‌ثباتی داخلی در افغانستان در حوزه هیرمند میان این دو کشور تأثیرات پر دامنه‌ای داشته است که در سیر تاریخی از اختلافات، مذاکرات و سرانجام منتج به توافقنامه هیرمند در سال ۱۳۵۱ شده است. امنیت منابع آب یکی از عناصر کلیدی در استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی کشورها به شمار می‌رود و می‌تواند یک منبع استراتژیکی برای صلح، امنیت، همکاری و منازعه در سیاست خارجی دولت‌ها به شمار آید که بر توسعه اقتصادی و اجتماعی اثرگذار بوده و عامل تعیین‌کننده قدرت سیاسی محسوب می‌شود. امروزه آب به یک مسأله مهم در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است و بحران‌های منتج از کم‌آبی (چه در سطح داخلی به دلیل درگیری‌های آبی میان حوزه‌ای و اختلافات فرقه‌ای،

چه در سطح منطقه‌ای اختلافات در رابطه با حبابه و بازتاب آن در سطح بین‌المللی) فرساینده امنیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی شده است؛ بنابراین سیاست خارجی باید در جهت امنیتی زدایی از بحران‌ها موجب مدیریت پذیرتر شدن آن‌ها گردد. از سوی دیگر در حوزه آبریز هیرمند؛ شدت منازعه و همکاری ایران و افغانستان در طول زمان متفاوت بوده است و منازعه و همکاری توأمان در این حوزه وجود داشته است.

#### ۱. پیشینه پژوهش

درباره روابط ایران و افغانستان در زمینه رودخانه هیرمند مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی نوشته شده است. از جمله در مقاله «رودخانه‌های مرزی افغانستان و امنیت منطقه‌ای» (Yildiz, 2015) نویسنده یکی از مهم‌ترین نیازهای افغانستان را تأمین آب ایمن و مطمئن می‌داند و این کشور برای توسعه پتانسیل منابع آب با مشکلات اقتصادی، سیاسی و نهادی روبه‌رو است و ضمن برشمردن اتکا اقتصاد بر کشاورزی همین مسأله مصرف آب را افزایش داده است؛ مهم‌ترین دغدغه نویسنده اختلاف در مدیریت آب‌های مشترک است. در مقاله دیگری تحت عنوان «آب‌های مشترک: تعارض و همکاری» (Wolf, 2007) به متغیرهای آسیب‌پذیری و انعطاف‌پذیری و تأثیر منازعات آبی و رابطه‌اش با ساختارها و نهادها پرداخته شده است. در مقاله «تغییرات محیطی و منازعات خشونت‌آمیز» (Bernauer, Bohmelt, 2012) نویسندگان تأکید دارند که تغییرات محیطی باعث درگیری‌های خشونت‌آمیز می‌شود و ضمن برشمردن اثرات غیرمستقیم آن مهاجرت را عاملی مهم می‌دانند که این تغییرات به همراه رشد جمعیت، دسترسی نابرابر و تأثیر کمبود منابع را یک تهدید مستقیم برای امنیت می‌دانند. در مقاله «هیدروپلیتیک در حوزه رودخانه هیرمند: استفاده از مدیریت یکپارچه منابع آب» (Ettehad, 2010) ضمن بررسی میدانی و مصاحبه با مردم محلی؛ دستورالعمل‌های جدیدی در چارچوب مدیریت یکپارچه منابع آب معرفی شده است و همچنین نویسنده بیان می‌کند که به اشتراک گذاشتن یک منبع مشترک می‌تواند فرصتی باشد تا کشورهای ساحلی را به میزهای مذاکره بیاورد. در مقاله «امنیت آب: چالش‌ها و فرصت‌ها» (Bakker, 2012) با

تأکید بر ارتباط بین سلامت انسان و اکوسیستم نویسنده دستور کار امنیت آب را شامل تمرکز بر روی آسیب‌پذیری و تأکید بر تهدیدها و مدیریت انطباقی می‌داند و نویسنده چالش سیاسی امنیت آب دستیابی به اهداف اقتصادی و توسعه پایدار است و همچنین با برشمردن و افزایش تغییرات آب و هوایی (خشک‌سالی و سیل) نیازمند حاکمیت و آموزش اجتماعی به‌عنوان استراتژی کلیدی برای مدیریت مؤثرتر آب می‌داند. این پژوهش ادبیات موجود را یک قدم جلوتر برده و با یک مدل ترکیبی با محوریت رودخانه‌های مرزی هیرمند در سیاست خارجی ایران سعی در ارائه رویکردی نوین و ایجاد چشم‌اندازی جامع در این حوزه دارد.

پرسش اصلی ما این است که چگونه می‌توان منازعات آبی را در سیاست خارجی ایران در حوزه رودخانه هیرمند مدیریت نمود؟ ادعای ما این است که ایران با غیرامنیتی سازی یا امنیتی زدایی از بحران‌های آبی می‌تواند آن را مدیریت پذیر نماید.

در مسیر تدوین یک چارچوب نظری، با بهره‌گیری و کاربست مؤلفه‌های مکتب امنیتی کپنهاگ و بحران مایکل برچر تلاش می‌کنیم به شناخت بهتری از روابط ایران و افغانستان در حوزه هیرمند دست یابیم؛ سپس با تمرکز بر ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به موضوع مدیریت منازعه<sup>۱</sup> بحران و همکاری در رودخانه‌های مرزی مشترک ایران می‌پردازیم و در حوزه منطقه‌ای رودخانه هیرمند، اختلافات و تبعات امنیتی کمپابی منابع آبی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

## ۲. تمهیدات مفهومی - نظری

پژوهش پیش رو در راستای برطرف کردن خلأهای پژوهشی موجود در بررسی رودخانه‌های مرزی از زاویه خرد و تک عاملی به زاویه چندعاملی گسترش می‌یابد و از این چشم‌انداز به بررسی آبراه‌های مشترک مرزی پرداخته است. سه عامل منازعه<sup>۱</sup>، بحران<sup>۲</sup> و همکاری<sup>۳</sup> نقش تعیین‌کننده‌ای در بررسی رودخانه‌های مرزی دارند بدین ترتیب که یک عامل نمی‌تواند عملکرد سیاست خارجی در زمان و موقعیت‌های متفاوت

1. conflict  
2. Crisis  
3. Cooperation

را مورد واکاوی قرار دهد؛ بلکه به منظور ادراک بازیگر سیاست خارجی در بررسی رودخانه‌های مرزی نیازمند چندین عامل هستیم که نحوه اتصال آن‌ها به گونه همزیستی و ارتباطات کنشی و واکنشی و پویا ظهور می‌یابد. نظریه تحقیق به صورت مدل مفهومی در قالب دو شکل قابل بیان است. منازعه و بحران در کنار همکاری بخش لاینفک از مسائل آبی حوزه‌های آبریز مشترک است. در این بررسی از نظریه بحران مایکل برچر و نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ برای تدوین چارچوب نظری استفاده گردیده است. در این ساختار کاهش حلقه موضوعی برای مناقشه است و به عنوان عامل بالقوه در ایجاد منازعه و بروز اختلافات بین کشورهای ساحلی در به فعلیت یافتن بحران حیات می‌یابد. مفاهیم تنش، منازعه و بحران برای بیان روابط خصمانه در طیف‌های ضعیف تا شدید میان دو کشور رقیب به کار می‌روند (قربانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۸۶). تنش‌ها از سطح ادراکات فراتر نرفته و تعارض‌های عملی را در بر نمی‌گیرد، از سوی دیگر اگر شدت گیرند با توجه به میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر روند تصمیم‌گیری امکان دارد شرایط مقدماتی بروز منازعه مهیا گردد (قربانی نژاد، فرجی زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۰)؛ بنابراین همکاری و منازعه در رودخانه‌های مرزی هم‌زمان وجود دارند؛ بنابراین این دو عنصر در یک حوزه آبریز می‌توانند توأمان وجود داشته باشند و تأثیر این دو عامل باعث ایجاد اثر متقابل منازعه و همکاری در آب‌های فرامرزی می‌شود.



## ۲-۱. منازعه و آبراه‌های مرزی

منازعه به معنای اختلاف و محصول تضاد اهداف و شرایط ناسازگار<sup>۱</sup> (Thakore, 2013: 38) است. معمولاً طرف‌ها در منازعه از ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی به‌عنوان اهرم فشار استفاده می‌کنند، چنانچه منازعه بر سر منابع کمیاب آبی باشد رویکرد خصمانه یا رویکرد همکاری سرآغاز مواضع دولتین محسوب می‌گردد و در چرخه‌های تهدید و فرصت نمود می‌یابد و دارای پتانسیل تغییر از حالت منفی به مثبت یا بالعکس است بدین معنا که یک منازعه صرفاً بد یا یک همکاری صرفاً مثبت نیست بلکه گاهی منازعه‌ای می‌تواند باعث تغییر وضعیت نامناسب شود و هر دو عنصر در برگیرنده بازیگران، اهداف، منافع، تجزیه و تحلیل رفتار و به‌طور کلی استفاده از استراتژی ترکیبی<sup>۲</sup> است (Galtung, 1973: 67). منازعات زمانی فوران می‌یابند (امنیتی سازی<sup>۳</sup>) که اختلافات فراتر از کنترل طرف‌های درگیر گسترش یابد و درگیری چه در عرصه خرد (منازعات درون سرزمینی) و چه در عرصه کلان (منازعات بین دولت‌ها<sup>۴</sup>) را شامل می‌شود (Adegbonmire, 2016: 8).

به‌دلیل خشک‌سالی‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی و مهار سرچشمه‌های رودخانه هیرمند توسط افغانستان از طریق ایجاد سد و انحراف مسیر رودخانه، واکنش‌های آبی بین دولتین افزایش یافته است، بدین ترتیب که کشورهای بالادست رودخانه، آب را وسیله کسب قدرت (در اینجا افغانستان) و کشورهای پایین‌دست از قدرت برای کسب آب بیشتر (در اینجا ایران) استفاده می‌کنند (Wegerich, 2008: 17) به عبارت دیگر، تعامل در موضوع آب‌های فرامرزی به‌عنوان یک فرایند سیاسی ممکن است از عدم تقارن قدرت برخوردار باشد و این عدم تقارن گاهی شدید و گاهی ضعیف است (Zeitoun, 2008: 25). تأثیر عوامل زیست‌محیطی بر امنیت ملی و بروز منازعه با همسایگان به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم ارزیابی می‌گردد: در تأثیرگذاری مستقیم دولت‌ها برای دستیابی و یا استمرار سلطه خود بر منابع طبیعی با یکدیگر وارد رقابت می‌شوند اما در روش غیر مستقیم تغییرات پدید آمده در حوزه محیط‌زیست آثار سیاسی و اجتماعی پدید می‌آورد که آن‌ها به نوبه خود زمینه بروز نزاع را فراهم می‌سازند. منازعات غیرمستقیم که متأثر از تغییرات

1. Incompatibility  
2. Mixed strategies  
3. Securitization  
4. Interstate

زیست‌محیطی به وقوع پیوسته است به دو صورت رخ می‌نمایند: الف) در گروه‌های هویتی و قومی فشارهای ناشی از مشکلات محیط‌زیست جنبش‌هایی را پدید می‌آورد که این جنبش‌ها به شکل‌گیری گروه‌های هویتی منجر می‌شوند؛ (درگیری‌ها ناشی از کم‌آبی و کاهش کیفیت آب در خوزستان) ب) چالش محرومیت با دامن زدن به ناکارآمدی‌های سیاسی و اقتصادی و سوء مدیریت آب زمینه را برای شکل‌گیری احساس محرومیت همراه با تعارض (قوام، ۱۳۸۴: ۱۴) نزد شهروندان مساعد می‌سازد و به بروز منازعه و کشمکش کمک می‌کند.

## ۲-۲. بحران و آبراه‌های مرزی

بحران به معنای از هم گسیختگی و آشفتگی است و ارتباط معناداری با مفاهیم منازعه و جنگ دارد و همراه با ناآرامی در روابط و تعاملات بین دولتی تکامل می‌یابد (برچر، ۱۳۹۶: ۲۷۸). برخی بحران‌ها به مثابه عامل شتاب‌دهنده برای اصلاح محیط آشفته می‌باشند (Kevinster, 2003: 160). به عنوان نمونه عنصر بحران آفرین کشور A در بخشی از ساختار تصمیم‌گیرندگان کشور B ذهنیتی را مبتنی بر احساس و ادراک نخبگان از تهدید ایجاد می‌کند (برچر، ۱۳۹۶: ۲۷۹) و بحران؛ سیاست خارجی را با ماهیت شکنندگی در روابط بین دولتی روبه‌رو می‌سازد. اولین شاخص در عناصر منازعه \_ بحران عبارتند از: جرقه بحران (امنیتی سازی) که تصمیم‌گیرندگان را به سمت احساس تهدید، فشار زمان و میزان آسیب‌پذیری رهنمون می‌کند و با شتاب بخشیدن به یک بحران برای بازیگر تعامل اختلال برانگیز را ایجاد می‌کند و این جرقه‌ها احتمال بروز رفتارهای خاصی را از جانب طرف‌های درگیر (Brecher, Steinberg and Stein, 1969: 75)

در بحران که شامل رفتار کلامی، رفتار سیاسی، رفتار اقتصادی و یک اقدام خشونت‌آمیز است افزایش می‌دهد و فضا را برای یک بحران بین دولتی آماده می‌کند؛ به عبارت دیگر، یک محرک (کمیابی آب) دو گرایش ناسازگار را برمی‌انگیزد و ادراک بازیگران و نحوه رفتار آنان در قالب بازخورد کلامی و غیر کلامی را ایجاد می‌کند (Thakore, 2013: 38). شاخص دوم تهدید ارزش‌های وجودی است که در طول بحران توسط بازیگران ادراک می‌شود. شاخص سوم تعداد بازیگران بحران، شاخص چهارم

مداخله قدرت‌های بزرگ در بحران‌ها (حضور آمریکا در افغانستان و حمایت از پروژه سازه‌های آبی) و شاخص پنجم روابط قدرت بازیگران و درجه کنترل بحران است؛ اگر ساختار دولت نتواند خودش را با تغییرات محیطی سازگار کند یا اگر به اندازه کافی قادر به برقراری ارتباط با خارج نباشد، بحران برای دولت پرهزینه خواهد بود (Kevin Stern, 2003: 160-170). مراحل بحران بر این اساس دسته‌بندی می‌شود: حرکت از مرحله شکل‌گیری به دوره بحران و سپس کاهش و تأثیر مانند فرایند شیمیایی از حالتی به حالت دیگر در نوسان است که در سیاست خارجی با دوره پیش بحران، دوره بحران (امنیتی سازی)، دوره پایان بحران (غیرامنیتی سازی) و دوره پس از بحران روبه‌رو هستیم. مفاهیم بحران در سیاست خارجی ادوار چهارگانه و پویا در طول زمان هستند که هر کدام متمایز و مجزا اما یک سنتز وابسته به یکدیگر هستند (Brecher, 2018: 75). بر این اساس بازیگر امنیتی ساز با توجه به فشار روانی ناشی از تهدید با استفاده از کلمات، یک پدیده را به عنوان خطر معرفی می‌کند و با این اقدام به آن پدیده برچسب امنیتی می‌زند و در صورتی که آن پدیده به عنوان تهدید وجودی با پذیرش مخاطبان مواجه شود، سیاست عادی به حالت تعلیق درآمده (طیب، ۱۳۹۲: ۶۸) و فرایند امنیتی‌نمایی ظاهر می‌گردد که شاکله‌ای بین‌الذنهانی<sup>۱</sup> و ادراکی است که به معنای ناامنی در زندگی شهروندان و آغاز زنجیره‌ای از حوادث که به بحران و زلزله سیاسی (خشونت) منتهی می‌گردد (Kevin Stern, 2003: 165). پدیده زلزله نشان‌دهنده این است که لایه‌های زیرین و رویین تحت یکسری از فشارها جابه‌جا شده و ایجاد شکاف‌هایی می‌کند که می‌تواند بحران را ایجاد نماید (Brecher, 2018: 68). به عنوان نمونه در روابط ایران و افغانستان عوامل ناشی از تغییر در یک سطح (کاهش حقایق) در ابعاد دیگر حیات زیست‌بوم تأثیرگذار است؛ بر این اساس ایران با چالش امنیتی ناشی از سیستم ناامنی آبی با همسایگان و اختلال داخلی مواجه می‌شود (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۶۰) و با کمیابی منابع آبی ثبات و تعامل استراتژیک بین کشورهای حوزه، تنش‌زا و پر مناقشه می‌گردد (Ansink, 2009: 19). به طوری که با کاهش آب و متعاقب آن خشک‌سالی، فقر به خشونت‌های مدنی و درگیری‌های قومی منتهی می‌شود (Bernauer, Bohmelt, Koubi, 2012: 69).

---

 1. Intersubjectivity



## ۲-۱. ابعاد امنیت (امنیتی سازی، غیرامنیتی سازی)<sup>۱</sup>

پس از دهه ۱۹۹۰ مفاهیم بین‌المللی با حرکت از تهدیدات سخت‌افزاری به تهدیدات نرم‌افزاری در موضوعات امنیتی گسترده‌تر گردید و امنیت Buzan, Weaver, Dewild, (1998: 35) شامل پنج بخش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نظامی متولد شد؛ نمود این پنج بخش نمی‌تواند به مسئله امنیت به طور جداگانه بپردازد و هر یک در کنار هم شبکه‌ای از اتصالات با یک رشته سلولی و انتقال‌دهنده برای قلب تپنده امنیت یعنی حفظ بقا و حیات در پیوند با تهدیدات سوژه را تشکیل داده و هر کدام می‌توانند نقطه محوری استرس‌ها در مورد تهدید، آسیب‌پذیری و دفاع باشند. ارتباطات علت و معلولی میان سطوح تهدیدات، میزان آسیب‌پذیری، وضعیت نخبگان، محیط ذهنی و عینی تصمیم‌گیرندگان و روش تصمیم‌گیری از بالا به پایین وجود دارد (Kevinstern, 2003: 200) و تمام بخش‌ها در یک شبکه قوی در پیوستگی با یکدیگر در هم تنیده می‌شوند (Buzan, 1991, 442). این رویکرد با نگاهی جامع‌نگرانه به امنیت (Buzan, 1991: 14)

در مطالعات امنیتی با رویکرد چند بخشی آغاز می‌شود و هر بخش می‌تواند زمینه ایجاد تهدیدات وجودی تلقی گردد و مرجع امنیت در هر بخشی را با ناامنی مواجه نماید (رهایی، ۱۳۹۵: ۲۵۰).

افغانستان جزء مناطق بسیار شکننده و رسوخ‌پذیر برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای محسوب می‌شود و بوزان معتقد است که خاورمیانه یک منطقه نفوذپذیر است و بازیگران برون منطقه‌ای در آموزش دخالت می‌کنند بنابراین پوشش چتر امنیتی نظام بین‌الملل بر خاورمیانه در سطح بالایی قرار دارد و خاورمیانه توسط سیستم کنترلی قدرت‌های بزرگ اداره می‌شود و این اداره شدن منجر به فرایند امنیتی شدن گشته و به تمام موضوعات از دید امنیتی نگریسته می‌گردد (دهشیری، ۱۳۹۶: ۱۳). در شکل زیر با ایجاد زنجیره واکنشی بسته به شرایط زمانی و موقعیتی نوع تعاملات متفاوت است بالأخص مرز امنیتی زدایی و سیاسی سازی بسیار نزدیک است و تشخیص هر کدام بسیار برای کارگزاران سیاست خارجی بسیار مهم است:

1. Desecuritization



سطح همکاری	نمونه	تعاریف	زنجیره واکنشی
خستگی (توافقنامه هیرمند/ همکاری در سطح کمیساران مشترک و همکاری در قالب پنچ کمیته تخصصی) کارگزاران سیاست خارجی عکس العمل — ای تصمیم‌گیری در رابطه با میزان حقیقه طرف ایرانی (نامیدی و گاه تسلیم) و طرف افغانستانی (انکار) قابل پیش‌بینی است.	مهاجران غیر قانونی ایران در حال یافتن کار خاموش (افغان‌ها)	دولت با مسئله مواجه نیست	غیر سیاسی
مثبت (موافقت‌نامه چابهار)، تغییر شیوه مذاکرات	کاهش رفتارهای ناسازگارانه و امنیتی زدایی (معاهده چابهار) و بازخوانی معاهده هیرمند و تعیین حقیقه هامون، افزایش وابستگی متقابل	مسئله‌ای که نیاز به تخصیص منابع و تصمیم‌گیری دارد	سیاسی سازی
منفی حضور نیروهای سوم در مدیریت افغانستان و داوری شخص ثالث در آبراه‌های مرزی به دلیل آنکه میزان حقیقه ایران در هر دوره تاریخی بدتر شده است. و در سطح داخل باعث خشک‌سالی بیکاری، فقر، گسترش جرائم، مهاجرت منطقه سیستان گردیده است.	پیدایش ناسازگاری؛ تهدیدات و آسیب‌پذیری در عرصه داخلی ناشی از سوء مدیریت منابع آبی به همراه تغییرات اقلیمی باعث خشک‌سالی و کمبود منابع که نتیجه آن بیکاری، فقر، مهاجرت و فشار بر منابع شهری و درگیری‌های قومی، گسترش مناطق حاشیه‌نشین، افزایش باندهای مواد مخدر) و خالی شدن ساکنان مناطق مرزنشین و گسترش ناامنی در مرزها، فقدان مشروعیت حکومت و در عرصه سیاست خارجی در فرصت سازی؛ همسو شدن ایران با روسیه برای گرفتن	موضوع به شدت افزایش و گسترش یافته، ادراک تهدید و قراردادهای سیاسی نقض شده؛ و جرقه بحران زده شده است. دارای ویژگی انتزاعی است.	امنیتی سازی/ فرصت سازی

		امتیاز (در جنگ داخلی با عراق علیه نیروهای داعش)	
خشونت	زمانی است که این مسئله تهدید وجودی است و نیاز به اقدامات اضطراری و خارج از مرزهای عادی سیاسی دارد. اوج قله بحران، محیط روانی استرس‌زا و پرتنش میان بازیگران. شرایط هشدار و خطر امنیت ملی	در سال ۱۹۹۸ به دنبال قتل دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف روابط ایران و دولت طالبان در آستانه جنگ قرار گرفت. همچنین به دنبال پاره کردن قرارداد الجزایر توسط صدام حسین بر سر رودخانه مرزی شط العرب، جنگ تحمیلی در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد.	

زنجیره واکنشی

## ۲-۲-۲. امنیتی سازی<sup>۱</sup>

گفتمان امنیتی از طریق اعتباربخشی به سوژه و برجسب زدن به یک تهدید امنیتی آشکار می‌گردد؛ بنابراین امنیتی سازی یک فرایند ذهنی است (Buzan, Weaver and Dewild, 1998: 33) و کارکرد آن محافظت عناصر در برابر تهدیدها است (Dixon, 1999:110). بازیگران سیاسی با نمایش دادن یک مسئله به عنوان تهدید وجودی و تمرکز بر گفتار به‌عنوان قدرت سازنده برای ایجاد فضایی امنیتی نمایی شده آن را مفهوم سازی می‌کنند (Buzan, Weaver and Dewild, 1998: 29)؛ بنابراین زمانی که محیط اجتماعی با سطوح بالای نوسانات و تغییرات غیر قابل کنترل، با عدم اطمینان مواجه گردد تلاطم محیطی رخ می‌دهد؛ هر اندازه سطح تلاطم محیط افزایش یابد امکان ایجاد بحران امنیتی بیشتر می‌گردد؛ در سطوح تلاطم بالا احتمال شکل‌گیری تهدیدات وجودی و برجسب امنیتی<sup>۲</sup>

1. Securitization  
2. security label

خوردن آن‌ها به شدت افزایش می‌یابد (جاویدی کرمانی نژاد، امینی، ۱۳۹۵: ۱۴۰). مسئله در زنجیره امنیتی می‌تواند از ضعیف تا قوی بسته به شرایط زمانی و موقعیتی در نوسان باشد. مدل مذکور برگرفته از یافته‌های پژوهش است که دارای یک سیر تکاملی از منازعه به بحران و همکاری را در بر می‌گیرد؛ بدین‌سان که منازعه قابلیت جهش به وضعیت بحران را دارد و از تضادهای موجود شکل می‌گیرد و سپس در نگرش‌ها و رفتار آشکار می‌شود (Zartman, 2007: 330).

ماهیت بحران برگرفته از زنجیره امنیتی و درجه‌بندی از ضعیف تا شدید و بالعکس را در بر می‌گیرد. رودخانه‌های مرزی مشترک دربرگیرنده عامل درون‌زای بی‌ثباتی سیاسی و آستان تهدیدات برون‌زا و آسیب‌پذیری می‌گردد. حرکات و کنش‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی را متأثر می‌سازد. مهاجرت اجباری به کشورهای همسایه و مناطق حاشیه‌ای باعث فشارهای محیطی می‌گردد که می‌تواند منجر به درگیری در مناطق دریافت‌کننده به دلیل رقابت برای منابع کمیاب، کاهش فرصت‌های شغلی، تنش‌های قومی و تشدید این شرایط باعث ناآرامی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌شود (Bernauer, Bohmelt and Koubi, 2012: 65).

زیتون و میروماک (Zeitoun and Mirumach, 2008) با استفاده از نظریه مکتب کپنهاگ مسائل را بر روی یک محوری از عناصر غیر سیاسی، سیاسی شده، امنیتی نمایی/ فرصت‌سازی، خشونت‌زایی قرار می‌دهد و تعاملات آبی را با قرار گرفتن در این محور تبیین می‌نماید. در تئوری واکنشی کارگزاران سیاست خارجی سوژه؛ یا در ۱. وضعیت غیر سیاسی است (در این شرایط نیاز به تخصیص منابع دولتی ندارد مانند حداقل برداشت از رودخانه توسط مزارع)، ۲. وضعیت سیاسی (واقعه در حال تبدیل به یک مسئله است و نیاز به تخصیص منابع و تصمیم‌گیری دارد مثلاً ایران در سال‌های اخیر با افزایش پروژه‌های اقتصادی و تجاری، فرهنگی از جمله موافقت‌نامه چابهار سعی در افزایش وابستگی متقابل با همسایه شرقی خود نموده است) و ۳. سرانجام وارد مرحله امنیتی سازی می‌شود (دولت طالبان که پس از قتل دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف، ایران تقریباً تا آستانه جنگ برخاست و با افزایش تنش‌ها، دولت کابل تصمیم گرفت تا به‌عنوان یک اقدام خصمانه جریان آب سد کجکی و ارغنداب را قطع کند که تا سال ۲۰۰۲ ادامه

داشت (Reliefweb, 2007) به دنبال آن نماینده ایران طی نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل در سال ۲۰۰۱ اقدام طالبان در بستن دریچه‌های سد را باعث ایجاد مشکلات برای ساکنین منطقه شده است) ۴. روی دیگر امنیتی سازی؛ فرصت سازی است که در برگیرنده دو شکل است نخست تبدیل فرصت به همکاری دوم تبدیل فرصت به تهدید؛ (بدین ترتیب که کشورها از آب به عنوان ابزاری برای کسب قدرت و وابستگی آبی برای کسب امتیاز از پایین دست و پررنگ نمودن مناقشات آبی برای جلب توجه کشورهای ثالث و نهادهای بین‌المللی استفاده می‌کنند) و ۵. در نهایت به مرحله خشونت‌آمیز (که از نیروی نظامی برای کنترل منابع آبی استفاده می‌کنند که در حوزه رودخانه می‌تواند به صورت عملیات تروریستی در انهدام سد، تهدید به جریان قطع رودخانه، تصرف سد توسط نیروهای تروریستی یا به جنگ منتهی شود، جنگ تحمیلی ایران و عراق ناشی از پاره کردن قرارداد الجزایر توسط صدام حسین بود) منتهی می‌گردد (Zeitoun and Mirumach, 2008:34).

در شرایطی که آب کافی وجود دارد واکنش‌ها بین کشورهای ساحلی به عنوان یک منبع کمیاب متناقض نیست اما زمانی که کمبود آب مشترک شدید (منطقه خاورمیانه) است به یک مسئله تبدیل می‌شود و آب وارد حوزه سیاسی می‌شود (افتتاح سد کمال خان با ظرفیت ذخیره‌سازی بالا در فروردین ۱۴۰۰ و عملیات فاز دوم سد کجکی) (Irna, 1400) و اگر تنش آبی به مرحله بحران آبی برسد به عنوان تهدید وجودی تلقی می‌شود، امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد و اقدامات فراتر از سطح سیاسی را می‌طلبد زیرا وارد سطح امنیتی‌سازی شده است. امنیتی‌سازی با حرکت به سمت گزینه‌های اجبارآمیز که اغلب گزینه‌های انتظامی و نظامی هستند و مشروعیت زدایی از راه‌حل‌های موجود مسئله را تبدیل به وضعیت بحرانی می‌کند. وقتی یک مسئله امنیتی می‌شود فشار روانی افزایش و تصمیم‌گیری سریع اتفاق می‌افتد که خارج از مرزهای عادی سیاسی تبدیل به دستور کار سیاست هراس می‌شود (Buzan, 1991: 29) به دلیل آنکه نخبگان تصمیم‌گیرنده تمام برخوردها را در محور دوست \_ دشمن تعریف می‌نمایند و در کنار امنیتی سازی دولت ساحلی قوی‌تر از خشونت برای اطمینان از دسترسی به این منبع استفاده می‌کند (Castaribeiro, 2014: 580)؛ بنابراین راهبرد برون‌زا برای خنثی نمودن غیرامنیتی سازی به

منظور برطرف کردن تهدیدها؛ توسعه مناسبات و افزایش انعطاف‌پذیری است زیرا به هر میزان که انعطاف‌پذیری کم باشد، آسیب‌پذیری از بازخورد اقدامات بیشتر می‌گردد. از سوی دیگر تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی در کنار عوامل انسانی در زمینه آب‌های فرامرزی مشترک باعث بروز انواع گوناگونی از مناسبات شده است که با منافع، بازی قدرت‌ها، بی‌اعتمادی و تصورات طرف‌های درگیر با تمام فرایندهای سیاسی همراه است. به‌عنوان نمونه اختلافات ایران و افغانستان بر سر آب هیرمند از تاریخ تقسیم افغانستان ایجاد شده است؛ قرار گرفتن کشورها در یک حوزه آبی مشترک آن‌ها را در تنگنای مدیریت سیاست خارجی قرار می‌دهد. این مسأله در منطقه بالادست بر مبنای اصل خودیاری امری عادی تلقی می‌گردد؛ در این مرحله معمای امنیتی ظاهر می‌گردد که با بهره‌برداری بیش از حد بالادست و به دنبال آن کاهش دبی آب، پایین حوزه را با استرس آبی مواجه، بقای زیست‌بوم و کل سیستم رودخانه را دستخوش میرایی می‌گرداند (سیف‌الدینی، ۱۳۹۶: ۴) و احتمال جدال و رقابت بین ذی‌نفعان در یک حوزه آبی مشترک را افزایش می‌دهد. بدین ترتیب فشارهای داخلی به‌عنوان متأثرکننده تصمیمات سیاست خارجی در نظر گرفته می‌شود (Brecher, Steinbery, Stein, 1969: 80). برای آنکه بازیگر B بحران سیاست خارجی را تجربه کند محرک A عمل، رویداد یا تغییرات محیطی که توسط تصمیم‌گیرندگان B به‌عنوان یک منبع قوی از تهدید ارزش‌های وجودی ادراک می‌شود که آغازگر دوره پیش بحران برای بازیگر B را نشان می‌دهد، ایجاد می‌کند (مانند آنچه در تعاملات ایران و طالبان ذکر شد) حرکت از دوره پیش بحران به دوره بحران بستگی به ادراک و پاسخ بازیگر B دارد (Brecher, 2018: 120).

### ۲-۲-۳. مرحله کاهش و تأثیر (غیرامنیتی سازی) آبراه‌های مرزی

فروکش کردن یک بحران با کاهش در کنش‌های متقابل خصومت‌آمیز و فشار روانی مشخص می‌شود که منجر به سازش و خاتمه بحران می‌گردد (برچر، ۱۳۹۶: ۳۸۰)؛ بنابراین بهترین راهبرد در بلند مدت غیرامنیتی سازی و کاهش تصاعد بحران به منظور تأمین و حفظ بقا است (صادقی، نادری، ۱۳۹۵: ۴۲-۳۲). تمام این مراحل دارای قابلیت حرکتی از شکلی به شکل دیگر در نوسان است و دارای وضعیت ایستا نیست و هر لحظه تحت

شرایطی خارج از کنترل تصمیم‌گیرندگان از قابلیت تغییر به وضعیت دیگر برخوردار است. رودخانه هیرمند و نقش آب در امنیت ملی و محیط منطقه‌ای بالأخص امنیت اجتماعی و اقتصادی مردم مرزنشین نقش تعیین‌کننده‌ای بر ماهیت امنیتی نمایی و غیرامنیتی ساختن این عنصر حیاتی دارد. از آنجا که بیشتر تهدیدات در اصطکاک با امنیت است عدم تأمین منابع آبی شاخص‌های امنیت و ثبات را در شهرهای مرزی و مناطقی که با بحران آب مواجه هستند به شدت کاهش می‌دهد؛ منابع داخلی ناامنی از دو جهت بسیار مهم‌اند: نخست: از جهت تهدید بقاء و بی‌ثباتی سیاسی و دوم ناامنی داخلی زمینه مناسبی برای تجاوزات خارجی است؛ بنابراین معمای امنیتی ایران در شرق کشور در هر برهه تاریخی تحت تأثیر حضور نیروهای سوم یا جنگ داخلی در افغانستان بوده است. با سقوط طالبان و حضور نیروهای آمریکایی و تضعیف روابط ایران و افغانستان تعاملات دو کشور وارد فاز جدیدی شد. بدین ترتیب که در سال ۲۰۰۴ کمیته مشترک کمیساران آب برای تطبیق معاهده آب رودخانه هیرمند برقرار شد و بر اجرای قرارداد ۱۹۷۳ تأکید نمودند (غفوری، ببری گنبد، دهشیار، ۳۸: ۱۴۰۰). در سال ۲۰۱۷ با تدوین سند راهبردی بین دو کشور در حوزه‌های سیاسی \_ امنیتی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، آب و محیط زیست و ساماندهی پناهدگان افغان در قالب پنج کمیته تخصصی به سند راهبردی دست یافتند؛ (Isna:1396) همچنین نقش ایران در مذاکرات صلح دولت افغانستان (Isna,1400) در بستری از اهداف اقتصادی، موافقت‌نامه تجاری \_ ترانزیتی چابهار (هند، ایران و افغانستان) و سیاسی امنیت خود را افزایش می‌دهد.

### ۳. مدیریت منازعه \_ بحران و آبراه‌های مرزی

سیاست خارجی با بهبود مدیریت کارآمد حاکمیت آب‌های فرامرزی (مدیریت یکپارچه منابع آبی) به کارگزاران سیاست خارجی یک پشتوانه برای پیشرفت کردن در منافع سیاست خارجی می‌دهد و با کنترل و هدایت منازعات، بحران را مدیریت‌پذیرتر می‌نماید. هدف مدیریت در عناصر منازعه \_ بحران مبتنی بر محور (سازگاری و ناسازگاری) کاهش احتمال کشیده شدن منازعه به بحران و یک جنگ تمام‌عیار و تسریع در خاتمه آن با کمترین زیان بر نظام و بازیگران بحران است (برچر، ۱۳۹۶: ۲۸۰). چندین هدف در



سیاست خارجی با اداره آب‌های فرامرزی مرتبط است: ۱. تسهیل و حل اختلافات در کوتاه‌مدت ۲. مدیریت منابع که در درازمدت از درگیری جلوگیری شود ۳. ایجاد شورای مشورتی و سازشی در قالب دیپلماسی آب به منظور مدیریت یکپارچه حوزه رودخانه. کارگزاران باید تعاملات را افزایش دهند و با ایجاد رویکردهای هم‌افزایی بین بخش‌ها از جمله امور فنی آبی و فرصت‌های اقتصادی برای تقویت تلاش‌های سیاسی به منظور جلوگیری و رفع تعارضات اقدام نمایند (شهباز بگیان، ۱۳۹۵: ۳۴). مسئله کمیابی منابع آب در سیستم‌های سیاست خارجی دارای سه ویژگی است: ۱. قدرت بازیگران ۲. شیوه تصمیم‌گیری ۳. عوامل شخصیتی نخبگان ۴. سابقه تاریخی را شامل می‌شود (Brecher, Steinbery and Stein, 1969: 76) کمیابی منابع آبی در حوزه داخلی کشور به واسطه حکمرانی ناکارآمد نیازمند مدیریت کارآمد سیستم‌های منابع آب را آشکار می‌کند بنابراین مدیریت جامع‌گرانه آب به‌عنوان منبعی محدود و آسیب‌پذیر و یکپارچگی برنامه‌ها در چارچوب اهداف ملی، اقتصادی و اجتماعی بیش‌ترین اهمیت را دارد (سازمان ملل متحد، ۱۳۹۶: ۸۰). دولت‌ها در مواجهه با بحران امنیتی، مدیریت بحران و حل بحران‌ها در آب‌های مرزی مشترک به ترتیب با ده رویکرد روبه‌رو هستند: ۱. منفعت محور ۲. مذاکرات با هدف دستیابی به توافق ۳. همکاری مشترک مبتنی بر اهداف توسعه پایدار و مدیریت بحران ۴. راه حل صلح‌آمیز ۵. شیوه‌های سخت‌افزاری نرم مانند تحریم، اولتیماتوم، دیپلماسی اجبار ۶. شیوه سخت‌افزاری خشونت‌آمیز مانند: حمله نظامی و راه‌حل‌های پیشنهاد شده برای حل بحران‌ها ۷. امنیتی زدایی یا غیرامنیتی کردن ۸. سیاسی کردن ۹. غیر سیاسی کردن ۱۰. عادی‌سازی (دهشیری، ۱۳۹۶: ۱۵). یکی از تکنیک‌های مدیریتی؛ تعمیم درک مشترک و اعتمادسازی متقابل برای تسری اصل کاربرد منابع آبی بر اساس حاصل جمع غیر صفر مبتنی بر توسعه پایدار است (قوام، ۱۳۸۴: ۲۰). در مدیریت منابع آبی مسائلی مانند میزان تقاضا، مدیریت پیشگیرانه، شناسایی ریشه‌های نامنی، کنترل کمیت و کیفیت، جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، قانون‌گذاری و قانونمندی در ارتباط با محافظت از منابع آبی تحت پوشش قرار می‌گیرند. اصولی که برای مدیریت یکپارچه منابع آب در نظر گرفته شده است شامل بهره‌برداری اقتصادی، توسعه پایدار محیط‌زیست و تساوی برای جوامع مختلف است. استفاده از رویکردهای بالا به پایین (بالادست و



پایین دست) در مدیریت منابع آبی به جای رویکردهای پایین به بالا باعث موفقیت در مذاکرات می‌شود و از ایجاد تنش بین ایالت‌ها جلوگیری می‌کند. برای نمونه از یکسو در حوزه رود نیل کشورها برای توسعه با وجود اختلافات بین بالادست و پایین دست همکاری می‌کنند از سوی دیگر چین اگر تصمیم بگیرد سدسازی را در بالادست رودخانه مکنونگ<sup>۱</sup> ادامه دهد؛ بر پایین دست در برمه، تایلند، لائوس، کامبوج و ویتنام می‌تواند تأثیرات عمیقی بگذارد (Angelakis, et al, 2021: 8). راهکارهایی برای مدیریت بحران مطرح می‌شود: ۱. تلقی مشترک دولتی از اینکه بحران به فعلیت رسیده است و ۲. این بحران با روش مسالمت‌آمیز و گفتگو حل شود و بیناذهنیت ایجاد شود ۳. بیناذهنیت به عرصه عملی درآید که نیازمند فرایند چند بعدی برگرفته از روش برخورد میان‌رشته‌ای بدین ترتیب مدیریت بحران در سیاست خارجی کاتالیزوری می‌شود برای برون‌رفت از طریق فرایند امنیتی زدایی از منازعات آبی.

بر پایه مدل همزیستی منازعه، بحران و همکاری بین دولتی عناصر مرکبی هستند که سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در بر می‌گیرد. تشدید اختلافات در هنگام کمبود آب موجب می‌شود مکانیسم کارآمدی برای تخصیص و تقسیم پایدار آب این حوضه‌های رودخانه‌ها مطرح گردد. افزایش تقاضا و مدیریت ناکارآمد بهره‌وری و تخصیص حقایبه منابع آب مشترک موجبات تنش و نتایج نامساعدی هم در عرصه محلی و هم عرصه بین دولتی می‌گردد؛ به عبارت دیگر، آن‌ها را می‌توان در سه حوزه بررسی نمود: حوزه درونی، حوزه میانی و حوزه بیرونی. در ابتدا بحران در حوزه داخلی بسته به مرجع متعلقه آن در سیاست دولت خود را نشان می‌دهد و اگر این بحران نشأت گرفته از حوزه منطقه‌ای باشد انعکاس آن در حوزه داخلی به صورت تلاطم محیطی خود را نمایان می‌کند. انعکاس چنین تلاطمی در حوزه میانی (منطقه‌ای) سرآغاز یک دوره بحران سیاست خارجی می‌گردد و در حوزه بیرونی (بین‌المللی) برخوردار از تأثیرات (مداخله سازمان‌ها و کشورهای فرامنطقه‌ای) است. طیف کامل لایه‌های تشکیل دهنده، چارچوب تحلیل جامعی را برای امنیت بازگو می‌کند که در پایین‌ترین لایه محیط امنیتی داخلی یکایک دولت‌ها و جوامع قرار دارد و پس از آن مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای وجود دارند. در بالاترین لایه نیز

عالی‌ترین مجموعه یا مجموعه قدرت‌های بزرگ قرار دارد که سطح سیستمی را تشکیل می‌دهد. ارتباط آب و سیاست در سه لایه محلی، ملی، منطقه‌ای و سیاست‌های بین کشورها درباره تخصیص، توزیع، کنترل و کیفیت منابع آب است که می‌تواند موجب تنش و همکاری بین آن‌ها شود. یکی از تکنیک‌های جلوگیری از درگیری بر سر منابع مشترک آبی ارتقاء همکاری، مذاکره و به کارگیری دیپلماسی آبی است (Adegbonmire, 2016: 37).

### ۳-۱. آبراه‌های مرزی در حوزه داخلی

تعارضات قومی، مذهبی ناشی از کمیابی زیست‌محیطی گونه‌تازهای از چالش‌های درون سرزمینی است که باعث بروز شکاف‌های اجتماعی شده (قوام، ۱۳۸۴: ۱۸) و محرومیت اقتصادی را افزایش می‌دهد (Dixon, 1994: 34). در کشورهای جهان سوم به دلیل نبود سیستم مدیریت کارآمد برای حفاظت از محیط زیست است، ساختار نامناسب حکمرانی آب و سوء مدیریت، عدم سیاست‌گذاری جامع و فقدان نگرش بلند مدت به بحران‌های آبی در این کمیابی مؤثر هستند و دولت برای توسعه به مسائل صنعتی و اقتصادی اهمیت می‌دهد و محیط‌زیست در حاشیه قرار می‌گیرد؛ بنابراین پایداری زیست‌محیطی به حاصل جمع صفر نزدیک‌تر است و سطح ملی را در معرض آنارژی زیست‌محیطی قرار می‌دهد. مسأله‌ای که در این لایه حاکم است فشار روانی ناشی از کم‌یابی آب و عدم توان مدیریت و ادراک این وضعیت توسط دولت، امنیت ملی را تحت شعاع قرار می‌دهد. در این لایه پوسته‌های آتش‌فشانی از لایه درونی<sup>۱</sup> به لایه بیرونی<sup>۲</sup> تأثیرگذار است. کمیابی آب فضای رقابتی را افزایش می‌دهد و برای کنترل حجم بیشتر منابع آب نزاع می‌شود (Zeitoun, 2006, 23). در سطح داخلی یک کشور تنش‌های ناشی از بحران آب زمینه را برای شرایط چالش‌زا فراهم می‌آورد. درگیری ناشی از کمیابی منابع و عدم تمایل دولت به پاسخگویی به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناشی از کمیابی می‌تواند جرعه درگیری را روشن نماید (Adegbonmire, 2016: 34)؛ به عبارت دیگر، ضعف، عدم پاسخگویی و عدم شفافیت یک دولت در فراهم‌سازی منابع حیاتی پیامدهایی از ناامنی غذایی تا تأخیر در

1. Inside out  
2. Outside in

توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت (عسگری، ۱۳۸۱: ۶۷) و در عرصه داخلی با کنترل تنش‌های قومی و شورش‌های اجتماعی نشأت گرفته از بحران آب پردازد؛ بنابراین توسعه و امنیت لازم و ملزوم یکدیگرند؛ تأمین و حفظ منابع آبی یکی از فاکتورهای برقراری ثبات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی نسل‌های آتی از نظر غذایی، انرژی و آبی است.

### ۲-۳. آبراه‌های مرزی در حوزه منطقه‌ای

رودخانه‌های مشترک در منطقه خاورمیانه و دعاوی مرتبط با تخصیص آب، محرک اصلی مناقشه محسوب می‌شود. یکسری ادعاهای درون‌زا<sup>۱</sup> و ادعاهای برون‌زا<sup>۲</sup> می‌توانند ورودی‌هایی را برای بحران ایجاد کند (Ansink: 2009, 18) و بر شکل‌گیری مناسبات سیاسی و اقتصادی بین کشورها مؤثر باشند. ارتباط آب و سیاست در لایه منطقه‌ای رابطه آب و عملکرد سیاست خارجی برای تأمین منابع آب است؛ قدرت‌های بالادست و پایین‌دست یک رودخانه یکدیگر را هم به چشم تهدید هم به دیده متحد بالقوه می‌بیند. ماهیت بنیادی مسائل در لایه منطقه‌ای موضوع زنجیره تنش، منازعه، بحران و همکاری است که از لایه بیرونی به لایه درونی رسوخ می‌نماید. بحران باعث تغییر وضعیت می‌گردد و اقدامات بین رقیب‌ها و کل نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مقادیر قابل توجه ورودی سیستم تبدیل به خروجی‌های جدیدی به منظور تشدید روابط بین دولتی می‌شوند (Kevinstern, 2003: 156)

### ۱-۲-۳. رودخانه هیرمند و اختلافات آبی ایران و افغانستان

رودخانه هیرمند حیات خود را از خاک افغانستان آغاز می‌کند و بخش انتهایی آن پس از مشروب نمودن ناحیه سیستان سرانجام به تالاب هامون در خاک ایران می‌ریزد. سیر تاریخی رودخانه هیرمند، مذاکرات، قراردادهای و حکمیت‌های متعددی را درنور دیده است که شامل حکمیت گلداسمیت، حکمیت مک ماهون، پروتکل ۱۳۱۵، قرارداد ۱۳۱۷، رأی

1. Endogenous Claims  
2. Exogenous Claims

کمیسیون دلنا و قرارداد ۱۳۱۵ است (Aman, 2016:36). سرانجام در سال ۱۳۵۱ معاهده نحوه استفاده از آب هیرمند بین دو کشور امضا شد که در حال حاضر مورد استفاده است (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۲۳). بسیاری از توافقات تخصیص آب در حوضه‌های رودخانه‌های مرزی ناپایدار هستند و در صورت خشک‌سالی با انسداد اجرایی مواجه می‌شود مانند توافقنامه ۱۳۵۱ که حقایق ایران توسط افغانستان رعایت نمی‌گردد (همکاری خنثی). تغییر رژیم سیاسی در افغانستان در هر دوره از شرایط زمانی بر پیچیدگی روابط می‌افزاید و روابط دو کشور در توافقنامه بین‌المللی یا به سمت همکاری ضعیف یا عدم همکاری پیش می‌رود. چهار معیار برای سنجش اثرپذیری معاهدات مطرح می‌شود: ۱. انطباق، ۲. اهداف، ۳. علایق و ۴. حل مسأله. وجود موافقت‌نامه به معنای همکاری کامل نیست و در این همکاری رگه‌های از منازعات مشهود است. گاهی مناقشه ممکن است مثبت و همکاری منفی باشد و سبب ارتقای تعاملات و وضعیت نامناسب شود. به‌عنوان نمونه ۱. همکاری منفی در توزیع نامتقارن ۹۰/۱۰ درصد از جریان‌های آبی مرزی میان فلسطین و اسرائیل که این نوعی سلطه با عنوان همکاری است بنابراین رویکرد همکاری ممکن است خود را در سه طیف (مثبت، منفی، خنثی) ظاهر گردد. ۲. همکاری خنثی هیچ تأثیر عمیقی بر زمینه سیاسی ندارد که بر شدت درگیری کم با عبارت کلامی ملایم دلالت دارد. ۳. همکاری مثبت تمایل به برآوردن منافع بازیگران و به بهبود روابط پایدار کمک می‌نماید همچنین همکاری ممکن است در خدمت تداوم تعارض باشد؛ بنابراین نمی‌توان تمام انواع منازعه را بد یا تمام انواع همکاری را خوب دانست یا بالعکس. بدین ترتیب دیدگاه متداول در تعاملات آبی می‌تواند دربرگیرنده این برآیند باشد که هر همکاری خوب و هر مناقشه‌ای بد است با این تصور رودخانه بین‌المللی به یک کاتالیزور قدرتمند برای منازعه و یک کاتالیزور قدرتمند برای همکاری تبدیل می‌شود (Zeitoun, 2007:6).

افغانستان در سیستم موازنه نامتقارن در تقابل با قدرت منطقه‌ای ایران؛ از آب به‌عنوان اهرم فشار به منظور دستیابی به اهداف و ارتقاء قدرتش استفاده می‌کند (Aman, 2016:21). کشورها سعی دارند با مهار آب‌ها در داخل مرزهای خود، کنترل آن‌ها را در دست گیرند و از آن به عنوان ابزار قدرت استفاده نمایند زیرا دولت‌ها در موضوع شراکت در آب‌های فرامرزی شرکای ناخشنود هستند (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۷) و در زمینه

مدیریت آبراه‌های مرزی نگرشی ناسازگار با همسایگان خود دارند. بالادست بودن در یک حوزه آبریز بیانگر هیدروهمژمونی بودن در آن حوزه نیست زیرا در تعیین هیدروهمژمونی به متغیرهای موقعیت جغرافیا، قدرت اقتصادی، نظامی، توانایی مذاکره (تعداد تعاملات بین‌المللی زیادی داشته باشد) بستگی دارد. حضور نیروهای آمریکایی نقش مهمی در افزایش موقعیت مناسب‌تر برای این کشور داشته است. یکی از عواملی که می‌تواند منجر به درگیری شود ساخت زیرساخت‌های آبی از جمله سد، کانال‌های آبی، انحراف مسیر رودخانه که تأثیرات بر روی پایین‌دست دارد، زیرا جمعیت‌های محلی را آواره می‌کند و منجر به تشدید اختلافات بین قومی و جمعیت‌های شهری و روستایی می‌شود. ساحل بالادست از آب به عنوان اهرم فشار و اگر ساحل پایین‌دست نیروی نظامی داشته باشد سعی در اصلاح وضع موجود می‌کند (قدرت برای اصلاح وضعیت) و کمبود آب مستقیماً به منازعه نمی‌انجامد چون به متغیرهای سیاسی - اجتماعی بستگی دارد (Castaribeiro, 2014: 583\_584).

نبود موازنه قدرت بین کشورهای بالادست و پایین‌دست باعث می‌گردد کشور ضعیف بالادست راهبرد مهار منابع را انتخاب کند مانند افغانستان که با سیستم مهار سعی دارد اهرم فشاری را در تنظیم روابط قدرت متعادل در دستیابی به عرصه سودآورتری به‌دست آورد؛ وابستگی آبی جایگاه افغانستان را در مناسبات منطقه‌ای به خصوص روابط با همسایگان ارتقاء بخشیده است. سواحل بالادست همیشه به منابع آب دسترسی دارند در حالی که هر اقدامی که توسط آن‌ها صورت گیرد بر کشورهای پایین‌دست تأثیر می‌گذارد. این بدین معناست که تأثیرات منفی بر دولت‌های پایین‌دست هزینه‌ای بر دولت‌های بالادست نخواهد داشت. از نظر دولتمردان افغانستان آب در حکم نفت است و دولت بخشی از هزینه‌های خود را باید از طریق فروش آب به همسایگان تأمین نماید. افغانستان از منابع آبی‌اش برای تقویت اقتصاد داخلی بر پایه مدیریت پربازده منابع آبی (شیرشهر، ۱۳۹۵: ۲۱) و به منظور تولید انرژی مهار می‌کند و این امر شامل دستیابی به خوداتکایی در زمینه تولید برق آبی در داخل کشور است. استرس بر منابع آبی در افغانستان به دلیل تغییرات اقلیمی چون کاهش بارندگی در کوه‌های افغانستان، سیستم‌های فرسوده مدیریت آب، دهه‌ها جنگ، فقر، رشد جمعیت، کاهش

یخچال‌های طبیعی به وجود آمده که بر مشکلات کمبود آب و استرس بر منابع آب منطقه افزوده است (رضایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۶-۱۱۲). عزیمت نیروهای آمریکای از خاک افغانستان بار دیگر فعالیت‌های نیروهای طالبان آغاز گردیده و این کشور را با خشونت، عملیات تروریستی و دعوای سیاسی-اجتماعی روبه‌رو شده است (Felbab\_Brown, 2014:10). به دنبال ناامنی و ضعف شدن دولت مرکزی برنامه‌های توسعه آبی کند می‌شود و سطح کمک‌های خارجی برای بازسازی افغانستان سیر نزولی می‌یابد؛ این امر باعث افزایش عدم تقارن قدرت بین ایران و افغانستان می‌گردد (شهباز بگیان، ۱۳۹۵: ۳۸).

### ۳-۲-۲. تبعات امنیتی کمیابی منابع آبی در رودخانه هیرمند

در سال‌های اخیر سیر صعودی مسائل زیست‌محیطی بالأخص کم‌آبی باعث امنیتی شدن در سطح محلی و درگیری زیست‌محیطی اغلب در لوای آشوب سیاسی یا کشمکش قومی (درگیری میان اصفهان و یزد در رابطه با کم‌آبی) شده است که در این زمینه کاهش حقابه ایران از آورد رودخانه هیرمند باعث تنش آبی در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و نظامی را در پی دارد و در نهایت به شکل‌گیری جبهه یکپارچه‌ای از زوال زیست‌محیطی و انسانی منتهی می‌شود. با بروز چرخه‌های خشک‌سالی، سیل و افزایش ریزگردها، ناامنی غذایی، بحران بیکاری، حاشیه‌نشینی و مشاغل کاذب، باندهای مواد مخدر، تروریسم، کاهش شاخص سلامت روانی، مهاجرت مردم بومی به حاشیه شهرهای مشهد و گرگان و فشار بیش از حد بر منابع شهری از یکسو ایمنی در این مناطق را خدشه‌دار و از سوی دیگر امنیت مناطق خالی از سکنه مرزها را با چالش مواجه ساخته زیرا با خالی شدن هر روستای مرزی هزینه‌های انتظامی و امنیتی مرز افزایش یافته و موجبات چالش‌های درون سرزمینی در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، اجتماعی می‌گردد و بروز این اشکال، مشکلات امنیتی بی‌شماری را پدید آورده است (Ansink: 2009,19).

همچنین محیط‌زیست با سه کمیابی مواجه است: ۱. کمبود ناشی از عرضه (کاهش دسترسی به منابع تجدید پذیر ناشی از میزان مصرف چرا که تخریب سریع‌تر از فرایند

بازسازی رشد می‌کند)، ۲. کمبود ناشی از تقاضا (رشد جمعیت و مصرف سرانه افزایش یافته) و ۳. کمبود ساختاری (ناشی از توزیع نابرابر دسترسی به منابع طبیعی) (Bernauer, Bohmelt, Koubi, 2012:67).

### ۳-۳. بحران آب در حوزه بین‌المللی

در حوزه بین‌المللی بحران آب از ویژگی فراگیری برخوردار است. گزارش‌های سازمان ملل و تصاویر ماهواره‌ای از وضعیت بحران ذخایر آب شیرین جهان بعد از تغییر اقلیم بالأخص وجود خشک‌سالی در مناطقی با آب‌وهوای گرم و خشک نمایان است (رستمی، نادری، ۱۳۹۴: ۸۹). انعکاس تهدیدات وجودی در فرایند داخلی و منطقه‌ای موجب دخالت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌شود. مداخله نیروهای سوم در تاریخ افغانستان از گذشته تاکنون سهم قابل توجهی در حکمیت‌ها؛ توافقات و هدایت سیاست آبی افغان‌ها داشته است و دخالت حکمیت‌ها وضع دسترسی به آب ایران را وخیم‌تر نموده است.

### ۴. نتیجه‌گیری

این مقاله تلاش کرد تا نقش سه عنصر منازعه، بحران و همکاری در قالب مدل همزیستی در تعاملات رودخانه مرزی هیرمند میان ایران و افغانستان را مورد بررسی و تبیین قرار دهد و از نگاه تک‌عاملی به نگاه چندعاملی گسترده‌تر گردد. نتایج حاکی از آن بود که با بالا رفتن منازعه، سوژه آبی وارد فاز بحران شده و با ادراک تهدید بستر امنیتی سازی شرایط فراهم می‌گردد. بر همین بنیان به منظور مدیریت بحران در تعاملات آبی دو کشور لزوم غیرامنیتی سازی تحت‌تأثیر تعاملات سیاسی، مراودات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل تعدیل شدن است. به عبارت دیگر امنیتی نمودن روابط دولتی آسیب‌های فراوانی به دو کشور وارد خواهد آورد؛ بنابراین با خارج نمودن سیاست خارجی از حوزه‌های امنیتی به حوزه‌های اقتصادی، تجاری و دیپلماسی آبی روابط به سمت غیرامنیتی سازی سوق می‌یابد بدین ترتیب اختلافات آبی باعث گردیده تا همکاری و منازعه توأمان در این حوزه وجود داشته باشد.

امروزه مسائل زیست‌محیطی از جمله خشک‌سالی و کاهش میزان آب‌های سطحی و زیرزمینی در کشورهای خاورمیانه با امنیت داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی پیوند عمیقی دارد. بحران آب در سال‌های آتی به دلیل سرعت تغییرات اقلیمی و سوء مدیریت حاکمیت ابعاد به مراتب وخیم‌تری از وضعیت کنونی را در بر می‌گیرد و ساختار حیات و بقای کشورهایمانند ایران را پر مخاطره می‌سازد. آب در آینده یک متغیر کلان در ترتیبات امنیتی خواهد بود و تقسیم حقا به هیرمند تحت‌الشعاع سطح روابط دیپلماتیک و اقتصادی قرار دارد زیرا نقش رودخانه مرزی در برقراری امنیت غذایی، آبی، انرژی، توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی بسیار حائز اهمیت است. موقعیت ایران در قبال افغانستان برآیند انبوهی از معادلات سیاست خارجی است که در حال حاضر با خروج نیروهای نظامی آمریکا فرصتی است که با استفاده از دیپلماسی آبی و رویکرد همگرایانه تحت عنوان معامله با افغانستان و همچنین موازنه آب - مهاجر، کشت فراسرزمینی، آب مجازی، آب - ترانزیت در چابهار، معاهدات تجاری و استفاده از دانش فنی ایران، انتقال انرژی، سدسازی و جاده‌سازی این چالش‌ها را تبدیل به فرصت همکاری (افزایش وابستگی متقابل) نماید. رفع تنش‌های آبی در عرصه مدیریت آب‌های فرامرزی مستلزم سطح بالایی از وابستگی متقابل در میان دولت‌های بالادست و پایین دست است به نظر می‌رسد ایران و افغانستان برای وضع قوانین و مقررات جهت نظارت، بهره‌برداری و مدیریت رودهای مرزی مشترک به ایجاد یک مجموعه امنیتی آبی منطقه‌ای اقدام نمایند. کشور ایران با تمرکز بر راه‌کارهای کاهش وابستگی به منابع آب رودخانه هیرمند برای منطقه سیستان از جمله محرومیت‌زدایی از این منطقه، سرمایه‌گذاری بلندمدت برای توسعه این منطقه، ایجاد اشتغال جدید برای ساکنان بومی، ایجاد بازارهای مرزی، خرید آب، پروژه‌های آب‌شیرین‌کن می‌تواند برای برون‌رفت از این بحران استفاده کند.

### منابع

برچر، مایکل (۱۳۹۶)، بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها، ترجمه میرفردین قریشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.



حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، «تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی، مورد: مرز ایران و افغانستان»، برنامه‌ریزی آمایش فضا، شماره ۳۵، صص ۶۹-۷۸.  
حسینی، علی (۱۳۹۷)، «مروری برحوزه آبریز، موسسه مطالعات استراتژیک افغانستان»، مطالعات آب، هرات.

خبرگزاری ایسنا (۱۷/۲/۱۳۹۶)، «ایران و افغانستان به اصول همکاری راهبردی دست یافتند»، رجوع شود به: [https:// www.isna.ir/news/96021710789](https://www.isna.ir/news/96021710789)

خبرگزاری ایسنا (۸/۳/۱۴۰۰)، تأکید کابل بر اهمیت نقش ایران در مذاکرات صلح افغانستان، رجوع شود به: [https:// www.isna.ir/news/1400030806055](https://www.isna.ir/news/1400030806055)

خبرگزاری ایرنا، (۱۵/۱/۱۴۰۰)، مدیریت منابع آب و سدسازی مهم‌ترین برنامه اشرف غنی در افغانستان، رجوع شود به: [https:// www.irna.ir/news/84283406](https://www.irna.ir/news/84283406)

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۶)، جزوه درس بحران‌ها دانشکده وزارت امور خارجه. ۱۶۱.

رستمی، فرزاد، نادری، مسعود (۱۳۹۴)، «بحران کم‌آبی و گسست در امنیت ملی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۱۶۱-۱۹۱.

رهامی، روح‌الله (۱۳۹۵)، امنیت انسانی و دولت، رهایی از ترس، رهایی از نیاز در دولت اجتماعی توسعه‌گرا، نشر میزان.

رضایی، محمد داوود، شرودر، جان اف، احمد زی، شیر جان (۱۳۹۶)، «آب‌های فرامرزی افغانستان، دیدگاه حقوق بین‌الملل و نقش آب‌های فرامرزی در توسعه»، مجله مطالعات آب‌های افغانستان، موسسه تحقیقاتی دران، جلد اول، شماره یک.

صادقی، شمس‌الدین، نادری، مسعود (۱۳۹۵)، «تحلیل ابعاد امنیت دولت در ایران قرن ۲۱»، فصلنامه دولت پژوهی، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۶۵-۲۰۲.

سازمان ملل (۱۳۹۶)، رهنمودهای برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک منابع آب، ترجمه حمید پشتوان، انتشارات: وزارت نیرو، کمیته ملی سدهای بزرگ ایران.

سیف‌الدینی، سالار (۲/۵/۱۳۹۶)، جنگ خاموش آب بین ایران و افغانستان، روزنامه شرق، شماره ۲۹۱۸.

شیخ غفوری، هادی، ببری گنبد، سکینه، دهشیار، حسین (۱۴۰۰)، «تبیین غیرامنیتی سازی روابط ایران و افغانستان»، نشریه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، شماره ۶، صص ۲۵-۴۹.

شهباز بگیان، محمدرضا، باقری، علی، موسوی شفایی، مسعود (۱۳۹۵)، «تحلیل سازوکارهای منجر به برداشت آب رودخانه هیرمند در افغانستان با تأکید بر پروژه‌های دولت سازی در آن کشور، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوازدهم، شماره سوم، صص ۱۶۸-۱۸۹.

شیر شهیر، علی (۱۳۹۵/۱۰/۵)، بحران مدیریت آب، افغانستان تنها با ایران قرارداد تقسیم آب دارد، رجوع شود به:

<https://www.Khabarnama.net/blog/2016/12/25/Afghanistan/water/management>

طیب، علیرضا (۱۳۹۲) درآمدی بر بررسی‌های امنیت، انتشارات امیر کبیر. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، «سیاست بین‌الملل و رویکرد زیست‌محیطی»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۱۴، صص ۷-۱۹.

قربانی نژاد، ریواز، حافظ نیا، محمد، احمدی پور، زهرا، قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم منازعه در نظریه‌های روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۳، شماره ۷۰، صص ۲۶۵-۲۹۱.

قربانی نژاد، ریواز، فرجی زاده، عبدالرضا (۱۳۹۵)، «تبیین تأثیر عوامل فرهنگی بر تنش و منازعه در خاورمیانه»، فصلنامه علمی مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۱، شماره ۲۸، صص ۱۶۵-۱۸۹.

Aman, F. (2016), Water Dispute Escalating Between Iran and Afghanistan, Atlantic Council, South Asia Center.

Ansink, E. (2009), "Game Theoretic Models Of Water Allocation In Transboundary River Basins", Unpublished PhD Dissertation, Wageningen University.

Adegbonmire, J. (2016), "Conflict Situation and ways To Resolve Conflict", Adejumo Adegbonmire.

Angelakis, A, Valipour, M & T. Ahmed, A. (2021), "Water Conflict: From Ancient to Modern Times and in the Future", Sustainability, Mdi, 13(8) 4237, pp: 1\_31.

Afghanistan: (2007/6/12) Local Taliban Defeat Raises Hopes for Dam Project, <https://reliefweb.int/report/afghanistan/afghanistan-local-taliban-defeat-raises-hopes-dam-project>

- Brecher, M, B.K. Potter, P, Durocher, A. (2008), International Political Earthquakes, University Of Michigan Press.
- Brecher, M, Steinberg, B, Janica, J. (1969), "A Framework For Research on Foreign Policy Behavior", The Journal Of Conflict Resolution, Vol.13, no1,pp: 75\_101.
- Brecher, M. (2018), A Century Of Crisis and Conflict In The International System, Theory and Evidence, Intellectual Adyssey III. McGill University Montreal, Qc, Canada.
- Brecher, M. (1979), "State Behavior in International Crisis: A Model", The Journalz Conflict Resolution, Vol.23, No.3, pp: 446\_48.
- Bernauer, T, Bohmelt, T & koubi, V. (2012), "Environmental Changes and Violent Conflict", Environmental Research Letters, Volume7, Number 1, pp: 1\_8.
- Buzan, B. (1991), People, States and Fear An Agenda a For International Security Studies In Post – Cold War, Publisher: Lynne Rienr PUB.
- Buzan, B. (1991), "New Pattern Of Global Security In The Twenty-first Century" International Offairs, Vol.67, No.3, pp: 431\_451.
- Buzan, B, Weaver, O, Dewild, J. (1998), "Security A New Frame Work For Analysis, Colorado": Lynne Rinner Publishers, Publisher: Lynne Rienr Inc.
- Bernauer, T, Bohmelt, T, Vally, koubi. (2012), "Environmental Changes and violent Conflict", Environmental Research Letters, Volume7, number 1, pp: 1\_9.
- Bakker, B. (2007), Water Security: Research Challenges and Opportunity, Policy Forum, Water Management, Vol.337, Issue 6097, pp: 915\_944.
- Castaribeiro, W. (2014), "Water security and Interstate Conflict and Cooperation": Document Dana list Geographic, Vol.60/3, pp: 573\_596.
- Ettehad, E. (2010), "Hydro politics in Hirmand/Helmand International River Basin: Application of Integrated Water Resources Management", Unpublished MSc Dissertation, University de a soutenance: Swedish University of Agricultural Sciences Uppsala.
- Felbab - Brown, V. (2014), Aspiration and Ambivalence: Strategies and Realities of Counter in surgency and State Building IN Afghanistan, Brooking Institution Press.
- Homer\_ Dixon, T, F. (1994), "Environment Scarcities and violent conflict: Evidence From Case", International Security, Vol.19, No.19, No.1, pp: 5\_40.
- Homer-Dixon, T, F. (1999), Environmental, Scarcity and Violence, PRINCETON, Nj: Princeton University Press.
- Galtung, J. (1973), Theories Of Conflict: Definition Dimensions, Negations, Formations, University Of Hawaii.
- K. stern, E. (2003) "Crisis Studies and Foreign Policy Analysis: In Sights, Synergies, and Challenges"; Sociology, International Studies Review, Volume 5, Issue 2.
- Thakore, D. (2013), "Conflict and Conflict Management", JOSR Journal of Business a Management, Volume 8, Issue 6, PP: 7\_16.

- Zartman, W. (2008), *Negotiation and Conflict Management: Essays On Theory and Practice (Security and Conflict management)*, Routledge, Taylor and Francis Group, London and New York.
- Zeitoun, M, Warner, J. (2006) "Hydro-Hegemony a framework for Analysis of Transboundary Water Conflict", *Water Policy*, Volume, 8, Issue, 5, pp: 435\_460.
- Zeitoun, M. (2007), "Violation, Opportunities and Power Along the Jordan River: Security Studies Theory Applied TO Water Conflict", *Water Resources in the Middle East*, Volume 6, Issue 3, pp: 213\_223.
- Zeitoun, M. (2008), "Transboundary Water Interaction I: Reconsidering Conflict and Cooperation", *International Environmental Agreements*, Volume 8, Issue 4, pp: 213\_223.
- Wegerich, K. (2008), "Hydro-Hegemony In The Amudarya Basin", *Water Policy*, Volume 10, Issue 2, pp: 71\_88.
- Wolf, A. (2007), "Shared Water: Conflict and Cooperation", *Annual Review of Environment and Resources*, Volume 32 (1), pp: 241\_269.
- Yildiz, D. (2015), "Afghanistan Transboundary Rivers and Regional Security", *World Scientific News*, Wsn 16, pp: 40\_52.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی